

## پیامدهای تجدید حمایت اروپا از اوکراین

در یک نشست خارق العاده در بروکسل در ۱ فوریه [۱۲ بهمن]، همه ۲۷ رئیس حکومت اتحادیه اروپا، سرانجام روی یک بسته حمایتی ۵۰ میلیاردی برای اوکراین توافق کردند. ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین دولت‌نش عاجزانه‌نیازمندان پول هستند تا دولت اوکراین همچنان فعال باشد و بتواند حقوق کارکنان را بدهد و در نتیجه تصویب این بسته برای آن‌ها خبر خوبی بود. نمایش اتحاد هم خبر خوبی برای اتحادیه اروپاست. بخشی از این بودجه نیز بناست صرف حمایت از عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا شود. کمک‌های مالی دیگری هم مورد توافق قرار گرفته است.

در دسامبر ۲۰۲۳ [پاییز امسال]، در نشست شورای اروپایی، بر سر شروع مذاکرات پیوستن اوکراین هم توافق شد اما ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، بسته حمایتی فوری‌تر را ورتو کرد. از آن جا که در مسائل سیاست خارجی نیاز به اجماع است، وتوی اوربان باعث شد ۲۷ رهبر بار دیگر در فوریه در نشست اضطراری پیگیری برای رسیدن به توافق جمع شوند. این بار شورا موفق شد. اوربان حمایتی از ۲۶ همتایش دریافت نکرد و بعضی‌هایشان هم تهدید کردند، ماده‌ای از معاهده اتحادیه اروپا، یعنی ماده ۷ را که تاکنون به کار گرفته نشده، فعال کنند؛ ماده‌ای که حق رأی یکی از اعضا را از او می‌گیرد. گفت‌وگوهایی که تا چند ساعت پیش از نشست انجام شد، از جمله با جورج ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، به قانع شدن اوربان کمک کرد.

تهدیدات اوربان، ابزاری برای مذاکره مستقیم بر سر ۲۰ میلیون یورو از صندوق اتحادیه اروپا بود؛ مبلغی که اوربان عاجزانه به آن نیاز دارد و به خاطر نقض حاکمیت قانون بلوکه شده است. امانوئل مکران، رئیس جمهور فرانسه با ار جاع به نتیجه نشست قبلی شورا در این باره گفت، اوربان در این باره، تصریح موضعی از شورا گرفته است که این بودجه‌ها می‌توانند، براساس «بازبینی عینی، منصفانه و براساس حقایق» که کمیسیون اروپایی درباره اصلاحات و انجام می‌دهد، آزاد شوند. برای رفع وتوی اوربان رهبران همچنین تعهد به بحث سالانه درباره حمایت مالی از اوکراین و بررسی آن در فاصله دو سال دادند.

این توافق برای جاه‌طلبی‌های اتحادیه اروپا هم خبر خوبی است. این توافق اجماعی برای بلوک حیاتی بود تا اتحادش را نشان دهد. همچنان به پوشاندن اختلافات در اتحادیه اروپا بر سر درگیری اسرائیل و حماس هم کمک می‌کند. نظرات افکار عمومی اروپا همچنان حمایت قوی از اوکراین نشان می‌دهد؛ اما در عین موفقیت در این کمک، اتحادیه اروپا برای برآورده کردن تعهداتش در حوزه‌های دیگر همچنان در تقلاست. مثل مسئله‌ای که بر سر تعرفه واردات تولیدات کشاورزی و دامی با اوکراین وجود دارد. در عین اینکه این کمک‌ها برای اوکراین خبر خوبی است، بعد از تابستانی که ضدحمله اوکراین در آن پیشرفت چندانی نداشت، کار بسیار بیشتری برای تغییر وضعیت نیاز است. گزارش‌ها حاکی است، نیروهای اوکراینی مجبور شده‌اند، خمپاره‌ها را جیره‌بندی کنند، در حالی که زیر آتش سنگین خمپاره‌های روسی هستند. این باز هم ناکامی محتمل اتحادیه اروپا در رسیدن به هدف ارسال ۱ میلیون خمپاره به اوکراین تا اول مارس [کمتر از یک ماه دیگر] را مشخص می‌کند. سال جاری، در مسیر جنگ، اثر کلیدی خواهد داشت. ظرفیت صنعت دفاعی اروپا برای تولید خمپاره‌های ۱۵۵ میلی‌متری، از زمان شروع جنگ، بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است و هدف جدید اتحادیه اروپا، تغییر هدف اولش و تحویل ۱/۱ میلیون خمپاره تا پایان ۲۰۲۴ است؛ اما ممکن است این کافی نباشد.

بسته حمایتی اتحادیه اروپا، پیام محکمی برای واشنگتن می‌فرستد، جایی که حمایت مالی جدید از اوکراین همچنان حمایت‌کننده را ندارد. اوسلوا ون‌در لاین، رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا در این باره گفت: «این تصمیم به آن‌هایی که در ایالات متحده مصمم به حمایت از اوکراین هستند، کمک خواهد کرد.» او ابراز امیدواری کرد که ایالات متحده «سهام منصفانه» خود را انجام خواهد داد؛ اما در شرایطی که اقتصاد جنگی پوتین ممکن است کم‌کم برتری تاکتیکی و راهبردی به روسیه برساند، حمایت ایالات متحده از اوکراین، به همان اندازه حمایت اروپایی، حیاتی خواهد بود. این حمایت باید به‌زودی از راه برسد.



### روح‌انگیز رها

خبرنگار گروه بین‌الملل

«ما باید آماده این حقیقت باشیم که درگیری ممکن است در هر زمان و در هر عرصه‌ای ظاهر شود، شامل قطب شمال». این را راب باور، دریاسالار ناتو، ماه اکتبر گذشته، یعنی اوایل همین پاییز گفت. شاید خیلی از مردم دنیا تصور این را نداشته باشند که قطب شمال هم عرصه دعوای سیاسی و ژئوپلیتیک باشد. برای خیلی‌ها، قاره قطب جنوب، به واسطه کاربردهایی که برای علما و دانشمندان عرصه‌های مختلف علوم تجربی دارد، مهم است و قطب شمال تنها از لحاظ زیست‌محیطی موضوعیت داشته است، اما جنگ قدرت‌ها، با هیچ جای دنیا تعارف ندارد و هیچ منبع و مقصدی را به حال خود نمی‌گذارد. یکی از عرصه‌های تقابل بالقوه قدرت‌های بزرگ دنیا، قطب شمال است و البته هم‌زمان یکی از دغدغه‌ها و تهدیدات جدی برای حیات روی زمین نیز به همان جا برمی‌گردد. هم‌زمانی این دو موضوع، مسئله‌ای در فریزر زمین ایجاد کرده که می‌تواند خیلی سریع به بحرانی شدید تبدیل شود. مسئله باز هم در سایه تقابل بین دو بازیگر مهم از شرق یعنی روسیه و چین، با دو بازیگر مهم از غرب یعنی اروپا و آمریکا است اما بازیگر اصلی که این وضعیت جدید را کلید زده، روسیه است. قطب شمال از سه زاویه می‌تواند سوژه یک بحران باشد: چشم‌انداز بلندمدت ژئوپلیتیک در راستای منافع روسیه که فعلاً خودبه‌خود تهدیدی برای غرب جهانی به حساب می‌آیند، چشم‌انداز میان‌مدت به‌عنوان یکی از گزینه‌های تشدید و تسریع بحران تغییرات اقلیم و چشم‌انداز کوتاه‌مدت جنگ اوکراین و درگیری‌هایی که ممکن است در ادامه آن بیایند.

### ▼ حریمی که از بین می‌رود

ماجرا اصلاً تازه نیست. در چشم‌انداز تاریخی، تا همین اواخر، وضعیت آب‌وهوایی در کنار امکانات و تجهیزات، به‌خصوص تجهیزات حمل‌ونقل و نبرد دریایی باعث ایجاد نوعی دیوار نامرئی برای بلندپروازی‌های بازیگران جهانی ربه‌شمال می‌شد. از یک جایی بالاتر نمی‌شد رفت و سفرها به آن منطقه، محدود به کاشفان متهور و دانشمندان کنجکاوی بود که با پذیرش خطرات به آن سمت می‌رفتند و نه کار ارتش‌ها و لشکرها. این مسئله خودبه‌خود منطقه را از تبدیل به صحنه تقابل و تضارب منافع معاف می‌کرد. نکته دیگر هم این بود که اهمیت یخ‌های قطبی شمال، از لحاظ تأثیرگذاری بر روند حیات روی کره زمین، کم‌وبیش شبیه اهمیت جنگل‌های آمازون، به‌عنوان پدیده‌ای محیط‌زیستی است که عملاً بر زندگی تمام مردم کره زمین اثر دارد و همین تا حدی باعث می‌شد این محدوده، مثل برخی دیگر از منابع خارج از مرزهای زندگی روزمره بشری به حساب بیاید. در واقع قطب شمال مدت‌ها، منطقه بی‌طرف بین‌المللی بوده است. در دهه‌های اخیر اما ماجرا کم‌کم عوض شده است. از طرفی، افزایش دمای زمین و آب‌شدن یخ‌های قطبی، حریم صعب‌العبور قطب شمال را کوچک‌تر و کوچک‌تر کرده است و از طرف دیگر، پیشرفت فناوری‌های دریایی و البته نظامی باعث شده است قطب شمال دیگر خارج از تصورات برنامه‌ریزان کلان نباشد. از طرف دیگر، آب‌شدن یخ‌های قطبی باعث افزایش دسترسی‌ها به آب‌ها و بستر آب‌های این منطقه نیز شده است. در عین حال، روندی که در سال‌های اخیر بین طرف‌های مختلف دعوا طی شده است، هم از لحاظ توانایی‌ها و هم از لحاظ شدت تقابل، باعث شده است برخی قوانین نانوشته یا حتی قوانین و توافقات نوشته هم کم‌کم نادیده گرفته شوند و ملاحظات کم‌تر شوند. برداشت همه طرف‌ها هم این است که حدود مرز چندان‌ی در تصمیمات و اقدامات خود ندارند و در نتیجه، همه طرف‌ها تصمیم گرفته‌اند برای مقابله، حدود مرزهای خود را هم کمتر کنند. در واقع شاید، شکل‌گیری و شدت رقابت و تقابل بین روسیه با اروپا باعث شده است، مسکو به دنبال مزیت‌های رقابتی جدی‌تر بیفتد. مسئله دیگر تفاوت مهم قطب شمال با جنوب است. قطب جنوب، محدوده‌ای سرزمینی دارد و برای تعیین تکلیف خاک آن و نیز حفاظت از محیط، توافقات بین‌المللی تنظیم و تصویب شده است؛ اما بخش اعظم قطب شمال، دریاست و یخ‌های آن و در نتیجه، چنین توافقاتی بر سر آن شکل نگرفته است که به مجوزهای استفاده‌های مختلف از این محدوده، چار چوب و قواعدی شبیه قطب جنوب بدهد؛ محدوده‌ای که برای این قطب در نظر گرفته می‌شود، با مدار جغرافیایی آن، تعیین شده است، یعنی محدوده مدار شمالگان. ترکیب این عوامل باعث شده است قطب شمال هم به عرصه‌ای ممکن برای رقابت و تعامل تبدیل شود.

### ▼ واقعیت‌های تازه، چالش‌های تازه

وضعیت در واقع حاصل هم‌زمانی دو روند است که لزوماً رابطه علت و معلولی با هم ندارند، اما روی هم اثر می‌گذارند؛ یعنی از طرفی، شرایط محیطی و

واقعیت‌های روی زمین قطب شمال تغییر کرده است و از طرف دیگر، شکل روابط بازیگران آن. آن‌طور که بلومبرگ می‌نویسد، وضعیت جدید باعث شده است، «شورای قطب شمال»، نهاد اصلی هماهنگی و همکاری در میان هشت کشور حاشیه قطب شمال، در وضعیت برزخی قرار بگیرند، در شرایطی که عملاً یکی از اعضا، با بقیه درگیر جنگ است. وزارت خارجه ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ در این باره گفت، کشورش همچنان به منطقه و به شورا متعهد است اما اقدامات روسیه در حمله به اوکراین، «همکاری، هماهنگی و تعاملی را که ویژگی اصلی کار شورای قطب شمال است، محدود می‌کند.» در سال‌های اخیر، محدوده قطب شمال، شاهد مانورهای نظامی هم بوده است، هم از سوی ناتو و هم از سوی روسیه، البته با حضور چین. تظلمه قابل‌توجه در این میان هم این است که حضور و مانورهای طرف شرقی در این زمینه به شکل محسوسی از طرف غربی بیشتر و گسترده‌تر بوده است. روبرتو از کارشناسان حوزه قطب شمال نقل می‌کند که غرب، اگر تصمیم بگیرد از لحاظ حضور نظامی در قطب شمال به روسیه برسد، ۱۰ سال زمان نیاز دارد. در عین حال، قطب شمال، هنوز هم جاده همواری نیست. کنیل اولسن، نماینده نظامی سابق نروژ در ناتو در سال ۲۰۲۲ درباره این منطقه گفت: «قطب شمال الان یک منطقه تاریک روی نقشه است. بسیار گسترده است و منابع نظارتی غیرنظامی در آن اندک.» همین سال‌های اخیر بود که پنتاگون اعلام کرد ایالات متحده به دنبال بهبود سیستم‌های هشدار و نظارتش در این منطقه خواهد رفت. گلن ون هرک، ژنرال نیروی دریایی آمریکا در این باره گفته است: «وقتی چیزی را نمی‌بینید و نمی‌توانید مشخص‌اش کنید، نمی‌توانید در مقابلش از خود دفاع کنید.» چالش دیگری که وجود دارد، باز به مسئله محیط زیستی برمی‌گردد و آن اینکه آب‌شدن یخ‌هایی که بنا بوده در مقیاس عمر زمین آب‌نشدنی باشند، زیرساخت‌هایی را که ارتش آمریکا در این منطقه بنا کرده، تهدید می‌کنند؛ اما مگر قطب شمال چه دارد که تا این حد برای همه موضوعیت دارد؟ بیش از هر چیز، یک منبع مهم و نیز یک جایگاه مهم.

### ▼ باز هم انرژی

بخش بزرگی از درگیری‌ها و دست‌اندازی‌های تاریخ بشری، در تعقیب منابع بوده است و در یکی دو قرن اخیر، صدرنشین فهرست منابع جنگ‌آفرین، انرژی، سوخت‌های فسیلی و البته، نفت. تخمین‌های ایالات متحده برآورد می‌کند که احتمالاً حدود ۱۶۰ میلیارد بشکه نفت و ۳۰ درصد از منابع کشف‌نشده گاز طبیعی زمین در این منطقه باشد. کاهش حجم یخ‌های قطبی باعث شده است، دسترسی بهتری برای حفاری و استخراج این منابع نیز ایجاد شده باشد. البته حفاری و استخراج نفت در محدوده قطب و اطرافیان، پیشتر از این‌ها شروع شده است و کشورهایی که در محدوده دسترسی بوده‌اند، این محدوده را به حال خود رها نکرده‌اند. علاوه‌بر بحث انرژی و قلمرو، این محدوده، مثل بسیاری از محدوده‌های آبی دیگر، دو کارآیی دیگر هم دارد: اولی کربدورهای حمل‌ونقل دریایی هستند که البته تا پیش از وضعیت تازه این قلمرو، آن‌چنان فعال نبوده‌اند و دومی، استفاده از بستر زیر آب برای کارکردهایی مثل کابل‌های فیبر نوری و فناوری‌های مشابه است.

### ▼ کشورهای دور میز

بخت قطب شمال البته تا حدی تحت تأثیر ترکیب اطرافیان نیز هست. مثل هر حریم آبی دیگری، ادعا و توجهات بین بازیگرانی است که در حاشیه آن ساکن هستند، اما ساکنان بلافاصله اطراف قطب شمال، ترکیب جالبی دارند: ایالات متحده، کانادا، روسیه، نروژ، سوئد، فنلاند، ایسلند و دانمارک که مالک گرینلند هستند، مدعیان این محدوده هستند، به عبارتی، ایالات متحده، متحدانش در ناتو و اتحادیه اروپا و حریف اصلی‌اش در تقابل‌های سیاسی یعنی روسیه، دور این منطقه نشسته‌اند و این یعنی بحث درباره این منطقه، خواه‌ناخواه در زمینه دعوای بزرگ‌تر قرار می‌گیرد. طبق قوانین بین‌المللی مربوط به مرزها و حریم‌های آبی، همه کشورهایی که در این محدوده قلمرو سرزمینی دارند، نسبت به بستر دریایی نزدیک به سواحل خود حق و

# دعوای شرق و غرب بر سر قطب شمال اختلافات و رقابت‌های قدرت‌های جهانی، تا آخر دنیا هم رسیده است

